

یک سال بعد از اشغال

عراق، باتلاق آمریکا، کابوس منطقه

عراق را به ویتنام دیگری در تاریخ آمریکا نزدیک تر می کند. سیل تابوت ها بهای سنگین ماجراجوئی توسعه طلبانه سوی آمریکا آشکارتر می کند.

دولت بوش برای ادامه سیاست خود در عراق دست به سوی همه دراز کرده است. تا جایی که سران حکومت اسلامی را هم به صرافت کمک به شیطان بزرگ انداخته است تا با اعزام سفیری به کربلا و نجف جیره خواران سرکش خود را این بار برای همکاری با شیطان راضی کند. تا هم خودی نشان دهد و هم سر دوستی و مودت با دشمن اسلام را باز کند.

ماموریتی که عقیم ماند. نفرت از سیاست های توسعه طلبانه دولت آمریکا سراسر منطقه را فرا گرفته است. آمریکائی ها در هیچ کجای منطقه دیگر احساس امنیت نخواهند کرد. تأیید سیاست ترور دولتی شارون علیه فلسطینیان و صحنه گذاشتن بر نقشه های دیرین اسرائیل در الحاق سرزمین های فلسطین، از طرف بوش، بر آتش این نفرت هر چه بیشتر خواهد افزود.

اکنون عراق نه فقط به باتلاقی برای دولت بوش و ارتش آمریکا تبدیل شده است، خود به یک مرکز بحران و بی ثباتی در منطقه درآمد است. عراق اکنون عملاً دیگر به مناطق نفوذ قومی، عشیره ای و فرقه ای و مذهبی تبدیل شده، با قدرت گیری جریانات ارتجاعی و ضد دمکراتیک تحت عنوان مقابله با اشغال خارجی، خطر از هم پاشیدن آن هر روز بیشتر شده، به مرکز تجمع جریانات بنیادگرای مذهبی تبدیل گشته است.

آن چه که در عراق می گذرد، تنها به این کشور محدود نخواهد ماند و آتشی که دولت آمریکا در عراق بر افروخته است، بعد از آمریکا دامن منطقه را خواهد گرفت.

تنها راه جلوگیری از ادامه فاجعه ای که آمریکا در عراق بدان دامن زده است، ایجاد امکان انتقال دمکراتیک قدرت به مردم عراق، واگذاری همه امور در عراق به سازمان ملل و تدارک تشکیل دولت اتحاد ملی عراق زیر نظارت سازمان ملل و از طریق همکاری و شرکت همه احزاب نیروها و تشکل های سیاسی و مدنی در عراق است.

سازمان می دادند و جریان نفت خاورمیانه به میل و اراده اقتصاد آمریکا تعیین می شد.

اکنون فقط دلایل شروع جنگ و اشغال عراق نیست که دروغ از آب درآمده اند و تاکنون حتی یک برگ مدرک قابل اعتنا برای آن همه دروغ های شاخدار در مورد توانائی تخریب زرادخانه صدام پیدا نشده است، هدف «دمکراتیزاسیون» جنگی آقای بوش و شرکا نیز در معرض تردید است. آیا هدف بوش و شرکا بیش از آن که نجات عراق باشد، نابودی و تخریب و تبدیل آن به چند جزیره کوچک نامنی و ترور در منطقه نبوده است؟

هدف اعلام شده آقای بوش و شرکا هر چه بوده است، آن ها تنها در یک امر موفق بوده اند و آن تخریب همه جانبه عراق و تجزیه درونی آن بوده است.

نقشه های آمریکا برای تحویل صوری قدرت به شورای دولتی کنونی عراق، در کوران درگیری های گسترش یافته، از همین امروز محکوم به شکست است. علاوه بر این مردم عراق دولت مورد توافق آمریکا را به رسمیت نخواهند شناخت. همه شواهد نشاندهنده آن است که رابطه ساده با نیروهای اشغالگر آمریکا برای بی آبرو شدن هر سیاستمداری در میان مردم عراق کافی است و دولت مورد تأیید آمریکا قادر به هیچ گونه تغییری در واقعیت جاری در عراق نخواهد بود. در عین حال امکان انتخاب چندانی هم وجود ندارد، حتی اگر ارتش آمریکا هم صحنه را خالی کند، جای پای نیروهای اشغالگر را در بخش اعظم عراق جریاناتی مثل هواداران مقتدی صدر پر خواهند کرد که در صدد بازگرداندن چرخ حوادث به اعماق قرون وسطی به شیوه جمهوری اسلامی در ایران و بدتر هستند.

دولت بوش این روز ها، اگرچه برخلاف سیاست همیشگی خود در کنار گذاردن سازمان ملل، در تلاش جلب همکاری این سازمان در اجرای نقشه واگذاری محدود قدرت به عراقی ها برآمده است. اما هنوز از واگذاری امور عراق به سازمان ملل متحد بسیار دور است و بر ادامه کنترل یگانه خود بر عراق تأکید می کند. از طرف دیگر هر روز که از ادامه اشغال عراق می گذرد، این کنترل با مقاومت سرسختانه تری مواجه می شود و

بیش از یک سال است که ارتش آمریکا عراق را اشغال کرده است، صدام حسین ساقط شده است و اینک در زندان به سر می برد، جنگ رسماً مختومه اعلام گشته است، اما هر روز در هر گوشه از خاک عراق هم چنان شعله ور است. نیروهای اشغالگر در سرتاسر عراق هدف حمله های غافلگیرانه هستند. حملات کور و توپ باران های وحشیانه مناطق مسکونی امنیت و آسایش را از مردم عراق سلب نموده است. علاوه بر این همه ارکان زندگی از برق و آب و آشامیدنی تا بیمارستان ها و ... همه از کار افتاده اند. نه دولتی وجود دارد و نه از امنیت عمومی خبری هست، هر کس به حال خود گذاشته شده است و باند های مسلح بر هست و نیست مردم حکومت می کنند.

با جنگ عراق وعده امنیت بیشتر نه فقط برای عراقی ها که برای همه جهان داده می شد. امروز نه فقط در عراق خبری از امنیت نیست و هیچ کس از تعرض به جان و مال خود در امان نیست و اساساً قانون جنگل بر سرنوشت مردم حاکم است، بلکه با تبدیل شدن عراق به مرکز غیر قابل کنترل ترور و خشونت، دامنه جنگ جاری روزانه در عراق به دروازه های اروپا نیز رسیده است. بمب گذاری در مادرید یک چشمه کوچکی از آن بود. « جنگ علیه تروریسم» آقای بوش با خارج شدن از چرخه قوانین و توافقات بین المللی خود به عامل گسترش تروریسم تبدیل شده است.

رئیس جمهور آمریکا زمانی که علیرغم مخالفت جهانی، اشغال عراق را سازمان می داد، وعده آزادی عراق از یوغ دیکتاتوری و تبدیل آن به یک دمکراسی نمونه در خاورمیانه را می داد. نقشه های دولت آمریکا، از این هم فراتر می رفت و شامل تغییر سیمای خاورمیانه به دلخواه استراتژیست های ایالات متحده می شد. در این نقشه ها عراق جای پائی بود که از آن جا باید تغییر سیمای خاورمیانه آغاز می شد. در محاسبات دولت آمریکا با تصاحب منابع نفت عراق مخارج پیاده کردن این نقشه ها باید تأمین می شد. کنسرن های آمریکائی یک جانبه بر اقتصاد منطقه جنگ انداخته، نظم نوین جهانی را

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران